

# رویکرد توسعه نیروی انسانی در برنامه سوم

اشاره:

جیش صادرات غیرنفتی از محورهای اساسی سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. صادرات غیرنفتی اعم از کالا و خدمات، فرآیند پیچیده‌ای را از مرحله تأمین مواد و منابع تولید، تولید، بازاریابی و عرضه در بازارهای برون‌مرزی را می‌گذراند تا بتواند در تنوع و افزایش درآمدهای ارزی کشور نقش مؤثر خود را ایفا و به روند توسعه پایدار اقتصادی کمک کند.

با وجود تأکیدی که بر روی تأمین مواد اولیه، سرمایه و دیگر اقلام مهم در تولید و عرضه کالاها و خدمات هست، اما نقش نیروی انسانی در مدیریت تولید و بازاریابی، کسب و انتقال دانش فنی و فناوری و برنامه‌ریزی فعالیت‌های اقتصادی برای رقابت‌پذیری در بازارهای بین‌المللی، نقشی اساسی و کلیدی است. از این رو امروزه نبوغ و توانایی فکری انسان‌ها در فعالیت‌های اقتصادی جایگاه ویژه‌ای یافته است و محصولات فکری (نرم‌افزار) ارزشی به مراتب بیش از سخت‌افزارها یافته است.

تربیت نیروی انسانی متخصص و کارشناس در تمام زمینه‌ها به عنوان یک سرمایه‌گذاری با ارزش افزوده کلان در اقتصاد مطرح شده است و کشورهای پیشرو در عرصه رقابت جهانی نه‌تنها برای توسعه نیروی انسانی خود سرمایه‌گذاری‌های کلانی را متقبل می‌شوند، بلکه به شکار مغزها و استعدادها روی آورده‌اند تا همواره بتوانند با در اختیار داشتن نیروی کارآمد سهم خود را در بازار کالاها و خدمات افزایش دهند. اما در کشورهای در حال توسعه نه‌تنها سرمایه‌گذاری برای توسعه نیروی انسانی در حد موردنیاز نیست، بلکه شرایط اجتماعی به گونه‌ای است که اغلب آنها نیروهای متخصص خود را از دست می‌دهند و کمابیش با معضل بزرگی روبه‌رو شده‌اند.

با توجه به نقش کلیدی نیروی انسانی در فرآیند رقابت جهانی، مقوله توسعه نیروی انسانی و راه‌های حفظ و ارتقای کیفی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در این گزارش به بررسی آن می‌پردازیم.

در طرح ساماندهی اقتصادی در بخش آمده است، به لحاظ جوانی کشور، تأمین اشتغال و کاهش بیکاری زمینه دغدغه‌های اقتصادی مهم، در جمعیت ایران به شمار متقاضیان کار است. افزودن می‌شود و فوری‌ترین هدف در این طرح، برنامه‌ریزی برای نخستین مرحله تأمین اشتغال و کاهش میزان بیکاری مطرح شده است. در این برای مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی ایجاد اشتغال و سرمایه‌گذاری در این

زمینه در سه مرحله و برای جلوگیری از افزایش درصد (میزان) بیکاری، جلوگیری از افزایش تعداد بیکاران و کاهش تعداد بیکاران توصیه شده است. در بخش سیاست‌های اقتصادی، دیدگاه اقتصادی - اجتماعی در طرح ساماندهی اقتصادی تصریح شده است: در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور جوانان و بانوان باید سهم و اثر اساسی داشته باشند و برای فعالیت سازنده آنها برنامه اجرایی تدوین گردد.

کارشناسان اقتصادی بر این باور هستند که نبود فرصت شغلی مناسب، یکی از عوامل مهم در ناتوانی برای بهره‌گیری بهینه از منابع نیروی انسانی جامعه است. چه بسا سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش آموزش و پرورش، آموزش عالی و بهداشت و درمان برای تربیت و پرورش نیروی انسانی کارآمد بر اثر نبود فرصت اشتغال مناسب از دسترس اقتصاد ملی خارج شود و روند روزافزونی که در جامعه ایرانی به لحاظ مهاجرت نیروهای خلاق و مستعد مشاهده می‌شود، تشدید گردد. به این ترتیب بخش مهمی از سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی نقش کلیدی خود را در رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و جهش صادرات غیرنفتی ایفا نخواهد کرد و ماحصل آن را کشورهای توسعه یافته با جذب مهاجران متخصص به دست می‌آورند.

ایجاد اشتغال مناسب با تخصص‌های نیروی انسانی و فضای مساعد و امن سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند نقش کلیدی در جذب نیروهای متخصص ایفا کند و نیروی انسانی کارآمد، مبتکر و خلاق سهم خود را در جهش صادرات غیرنفتی (اعم از کالا و خدمات) ادا نماید.

در پیوست شماره ۲ لایحه برنامه، سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹) در بخش آموزش و پرورش به نقاط قوت و ضعف اشاره شده است. در بیان نقاط مثبت موجود در جامعه ایرانی، به موارد ذیل اشاره شده است:

- ۱- وجود انگیزه کافی در بخش عظیمی از اجتماع (خانواده‌ها) برای تحصیل و آموزش فرزندان
- ۲- کاهش سطح بی‌سوادی جامعه در ۲۰ سال گذشته
- ۳- افزایش پوشش‌های تحصیلی در سطوح مختلف تحصیلی در جهت نیل به برابری در فرصت‌های دسترسی به آموزش به ویژه برای زنان در مناطق توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته.
- ۴- وجود امکانات بالقوه و بالفعل برای افزایش توان علمی فرهنگیان

- ۵- نقش و تأثیر مثبت آموزش در توسعه اقتصادی و بازدهی فردی و اجتماعی آموزش
- ۶- بهبود گذر تحصیلی بین دوره‌های تحصیلی و کاهش ترک تحصیل
- ۷- توسعه و گسترش در آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای و اجرای دوره کار و دانش

این نقاط قوت سبب می‌شود که جامعه در مقابله با نقاط ضعف، مشکلات و تنگناها از توان بیشتری برخوردار باشد. اما در بیان نقاط ضعف، مشکلات و تنگناها در زمینه آموزش به مواردی نظیر تهاجم فرهنگی دشمنان و کم‌توجهی به آموزش عمومی (ابتدایی و راهنمایی تحصیلی)، مدیریت و سازماندهی، نیروی انسانی، نابرابری در دستیابی به فرصت‌های آموزشی و توزیع امکانات، کیفیت آموزش و پرورش، منابع و آموزش بزرگسالان و سوادآموزی اشاره شده است.

در این زمینه تصریح شده است: بروز و ظهور پدیده‌هایی چون گروه‌های نابهنجار اجتماعی، شیوع استعمال مواد مخدر و گسترش فحشا و مستکرات، همگنی علایم و نشانه‌هایی از یک بحران فرهنگی هستند و در این شرایط وظیفه نهادهای فرهنگی حساسیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این راستا افزایش منابع مالی، ابزارها و فناوری آموزشی،

دولتی و خصوصی، اولویت نسبی در اخذ پروانه و مجوز کار برای افرادی که دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای را گذرانده‌اند و وجود متخصصین و کارشناسان باتجربه در نظام اداری می‌باشد.

در مقابل نقاط ضعف موجود عبارتند از: توسعه نامتوازن آموزش فنی و حرفه‌ای، فقدان هماهنگی بخشی از دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار، نامشخص بودن الگوی توسعه کشور، عدم تطبیق آموزش‌ها با مقتضیات ناشی از پیشرفت فناوری، نبود سیاست‌های حمایتی و عدم برخورداری دارندگان گواهینامه مهارت فنی و حرفه‌ای از منزلت اجتماعی مناسب، فقدان نظام آمار و اطلاعات و نیز تعادل منطقه‌ای و جنسیتی از امکانات آموزش فنی و حرفه‌ای، کمبود مربیان و به هنگام نبودن دانش فنی آنها و...

چالش‌های آینده این بخش از جمله افزایش جمعیت فعال کشور و فراهم نبودن فرصت‌ها و امکانات و منابع متناسب برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، روند افزایش جویندگان کار، سرعت زیاد تحولات علمی و پیشرفت‌های فناوری و آثار تغییرات آن در الگوهای اشتغال و صلاحیت‌های شغلی و عدم انعطاف ارابه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در انطباق با آن و نیز نازل بودن میانگین سطح سواد نیروی کار شاغل و فقدان

آموزان، ساماندهی و تغییر ساختار نیروی انسانی شاغل در این بخش، افزایش مشارکت مردم در فعالیت‌های آموزش و پرورش، تنوع بخشی و تجهیز منابع مالی و اصلاح ساختار سازمانی و تشکیلاتی در بخش آموزش و پرورش برای کاهش تمرکز و افزایش اختیارات مدیران در سطوح مختلف اتخاذ شده است.

در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای در سند برنامه سوم نیز با توجه به نقش کلیدی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در افزایش مهارت نیروی انسانی فعال در بخش‌های تولید کالا و خدمات و در نتیجه افزایش بازده نیروی کار در فرآیند تولید، نقاط قوت و ضعف مورد توجه قرار گرفته است.

نقاط قوت در این زمینه وجود ارزش والای کار در فرهنگ اسلامی، وجود نیروی انسانی مستعد جوان و جویای کار، فراهم آمدن زمینه کاهش وابستگی به درآمد نفت و اتکا به فعالیت‌های اقتصادی درون‌زا و احساس نیاز بیشتر به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اهمیت دادن به کیفیت کالاها و خدمات و در نهایت توجه بیشتر واحدهای اقتصادی به امر گسترش کمی و کیفی آموزش فنی و حرفه‌ای، بهره‌مندی از آموزش‌های کوتاه‌مدت، وجود ظرفیت‌های فیزیکی و تجهیزات آموزشی در دستگاه‌های اجرایی و کارگاه‌های

برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های آموزشی، به‌کارگیری ابزارها و فناوری‌های مناسب آموزشی (آموزش از راه دور)، اصلاحات اساسی در ترکیب نیروی انسانی شاغل در بخش آموزش و پرورش و... توصیه شده است.

در همین حال چالش‌های پیش رو از جمله محدودیت امکانات و منابع دولتی، بزرگی اندازه بخش از نظر تعداد دانش‌آموزان، کارکنان، منطقه آموزشی و تمرکز بیش از حد در مدیریت و تصمیم‌گیری، نامشخص بودن الگوی توسعه کشور و فقدان هماهنگی بین رشته‌های تحصیلی آموزش‌های متوسطه با بازار کار، افزایش سرعت تحولات جهانی در عرصه تولید و گسترش علوم و در نتیجه دانش عمومی و استفاده از شیوه‌های نوین آموزش و ایجاد فاصله و شکاف در کیفیت آموزش و شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده در داخل و خارج و نیز گسترش پوشش رسانه‌های ارتباط جمعی جهانی و اثرات مخرب فرهنگی آن بر قشر جوان و کارکرد فعالیت‌های آموزش و پرورش، به صراحت مطرح شده است.

به همین جهت سیاست‌های راهبردی برای برخورداری از فرصت‌های برابر آموزشی، ارتقای کیفیت آموزش و پرورش در زمینه کسب علم، کاربرد علوم و فنون و پرورش اضافی و اعتقادی دانش

تناسب آرایه آموزش‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای با آن، می‌باشد.

سیاست‌های راهبردی اتخاذ شده در برنامه سوم در این زمینه شامل اشاعه دانش فنی و حرفه‌ای در سطح جامعه با تأکید بر ارتقای مهارت، فرهنگ کار و ایجاد انگیزه لازم برای بهره‌جویی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بهبود کیفیت و ارتقای کارآیی در آموزش‌های یادشده، ایجاد تعادل در ساختار آموزشی، فرصت‌ها و امکانات، بهبود مدیریت منابع و استفاده کارآمد از ظرفیت‌های موجود در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، انعطاف‌پذیری و پویایی و تنوع در برنامه‌ها و شیوه‌ها و نظام‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای، با توجه به پیشرفت فناوری و الگوی توسعه کشور و نیاز بازار کار و... می‌باشد.

در سند برنامه سوم، در فصل آموزش عالی به دو مقوله آموزش عالی و پژوهش و فناوری به طور جداگانه توجه شده است.

در بخش آموزش عالی، نقاط قوت بدین شرح مطرح شده است:

۱- افزایش برابری فرصت دسترسی اقشار مختلف، کم‌درآمد، مناطق توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته و زنان به آموزش عالی و گسترش عدالت اجتماعی

۲- تحقق اهداف کمی نیروی متخصص موردنیاز جامعه در مقطع کارشناسی

۳- رشد و توسعه تحصیلات تکمیلی و افزایش صرفه‌جویی حاصل از آن

۴- افزایش مشارکت مردمی و توسعه آموزش عالی غیردولتی

۵- سلامت فضای فرهنگی مؤسسات آموزش عالی، توجه به ارزش‌های اسلامی در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و افزایش نقش دانشگاه‌ها در ارتقای فرهنگی جامعه

۶- تنوع در عرضه آموزش عالی، نیمه‌حضوری، شبانه، علمی کاربردی، غیردولتی

۷- افزایش ظرفیت‌های فیزیکی در آموزش عالی

۸- حضور اساتید و مدیران پرتلاش، دلسوز و بانگیزه در دانشگاه‌ها.

اما نقاط ضعف موجود نیز مورد تأکید قرار گرفته است که توسعه نامتوازن آموزش عالی متأثر از فقدان برنامه و خط مشی‌های بلندمدت برای توسعه آموزش عالی، نبودن اختیارات، انعطاف و پویایی در نظام آموزشی برای پاسخگویی سریع به نیازهای در حال تحول جامعه و رشد شتابان دنیای علم و فناوری، فقدان انسجام، هماهنگی و تسببات در سیاست‌های کلان آموزش عالی متأثر

از تعدد مراجع تصمیم‌گیر، تقیصه‌های قانونی و اثرات نامطلوب آن بر دستگاه‌ها و واحدهای آموزش عالی، ناکافی بودن اعتبارات و فقدان تنوع مالی و اتکای بیش از حد به منابع محدود و ناپایدار، تداوم برنامه‌ها و شیوه‌های سنتی آموزشی و تکیه بیش از حد به دروس نظری و کم‌توجهی به پرورش مهارت‌ها، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری دانشجویان و آماده نشدن آنها برای مواجهه با مسایل و نیازهای جامعه، کمبود کادر هیأت علمی از نظر تعداد، ترکیب مراتب علمی و روزآمدی، پایین بودن تولید دانش سازمان یافته و جایگاه علمی دانشگاه‌ها در سطح جهانی به لحاظ محدودیت مراودات، فقدان خط مشی بلندمدت توسعه منابع انسانی و نامناسب بودن ترکیب تخصصی نیروی انسانی در ساختارهای کار و اشتغال کشور، فقدان زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و فناوری‌های نوین در شیوه‌های آموزش و... از آن جمله‌اند.

در بخش پژوهش و فناوری نیز نقاط قوت و ضعف مطرح شده است. وجود دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و مراکز تحقیق و توسعه متعدد در رشته‌های مختلف علمی، پژوهشگران برجسته در ایران که در سطح جهان نیز مطرح هستند، ظرفیت‌های فیزیکی در بخش تحقیقات، حمایت نسبی از پژوهش از سوی مدیران عالی جامعه، وجود

|  |  |   |
|--|--|---|
| پژوهشگری و خلاقیت در دانش‌آموختگان   | فعالیت‌ها و منابع تحقیقاتی و فناوری  | متخصصان و محققان ایرانی در سایر کشورها، رواج خودباوری و علاقه و پشتکار بخشی از پژوهشگران با وجود موانع برای انجام فعالیت‌های پژوهشی، توانایی انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک ملی و بین‌المللی، ایجاد زمینه‌های تسهیل دستیابی به اطلاعات روزآمد، وجود امکانات سخت‌افزاری به نسبت کافی در کشور و دستیابی به بازارهای منطقه‌ای برای پاسخگویی به تقاضاهای موجود از نقاط قوت این بخش است. |
| ۱۳- ضعف مدیریت کشور جهت دستیابی به مزیت‌های رقابتی   | ۵- فقدان نظام جامع و کارآمد اطلاع‌رسانی  | اما تنگناهای موجود در این بخش بدین شرح بیان شده است:  |
| ۱۴- فقدان انگیزه بخش‌های صنعتی و اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در تحقیقات ناشی از رقابتی نبودن تولید در اقتصاد کشور و ضعف واحدهای تحقیق و توسعه در بخش‌های مذکور | ۶- پراکندگی موضوعات پژوهشی و عدم انسجام فعالیت‌های تحقیقاتی برای تولید دانش و فناوری ملی   | ۱- «عرضه محور» بودن فعالیت‌های تحقیقاتی و نبود رویکرد تقاضاگرا در بخش پژوهش و فناوری  |
| ۱۵- رقابتی نبودن دستگاه‌های پژوهشی کشور جهت دستیابی به مزیت‌ها در صحنه‌های ملی و بین‌المللی جهت توسعه فناوری بومی و تجاری کردن یافته‌های تحقیقاتی            | ۷- اتکای بیش از حد منابع مالی بخش پژوهش به دولت و نامتعادل بودن سهم اعتبارات پژوهشی از بودجه عمومی کشور                                    | ۲- گسستگی زنجیره تحقیق (بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای)، فناوری و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی   |
| ۱۶- وارداتی بودن و غیربومی بودن فناوری موجود و اتکا به فناوری خارجی  | ۸- فقدان قطب‌های علمی و تحقیقاتی و مؤسسات نظریه‌پرداز راهبردی  | ۳- خلاء مدیریت کلان و ستادی در نظام پژوهش و فناوری کشور و ناکارایی نظام موجود برای ساماندهی فعالیت‌های پژوهشی   |
| ۱۷- عدم انسجام و ارتباط بین فناوری‌های صنایع بالادست و پایین‌دست و ضعف فناوری موجود در برقراری ارتباط بین این دو گروه صنایع                                  | ۹- ضعف قوانین مربوط به حق ثبت اختراعات و مالکیت معنوی  | ۴- نبود نظام جامع و کارآمد برای ارزیابی و نظارت درونی و برونی بر  |
| ۱۸- محوریت سخت‌افزار در فناوری‌های موجود کشور و کم‌توجهی به سه رکن دیگر (انسان‌افزار،  | ۱۰- نبود رویکرد نظام‌گرا در تحلیل و تبیین اولویت‌ها، نیازها، قابلیت‌ها و تنگناهای بخش پژوهش و فناوری                                       |   |
|  | ۱۱- فقدان راهبرد مشخص برای توسعه علوم و فناوری در برنامه‌های کلان توسعه ملی از نقطه نظر سخت‌افزار، انسان‌افزار، اطلاع‌افزار و سازمان‌افزار |   |
|  | ۱۲- کمبود محقق کارآمد ناشی از ضعف نظام آموزشی در پرورش روحیه   |   |

اطلاعات افزار و سازمان‌افزار)

۱۹- محدود شدن نقش متخصصین داخلی در فناوری کشور

۲۰- عدم تناسب سرمایه‌گذاری صورت گرفته در فناوری‌های وارداتی با سرمایه‌گذاری جهت آموزش و بومی کردن آنها.

۲۱- مشخص نبودن مزیت‌های نسبی کشور در علوم و فناوری

در گزارش برنامه سوم تصریح شده است: در صورت ادامه روند شاخص‌های اساسی بخش پژوهش و فناوری در ده سال گذشته، نسبت اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص ملی (GNP) و تعداد پژوهشگر در یک میلیون نفر در سال ۱۴۰۰ شمسی (۲۰۲۱ میلادی) به ترتیب به ارقام یک‌دوم درصد و ۲۷۸۴ می‌رسیم که در قیاس با ارقام متناظر در کشورهای توسعه یافته در سال ۱۹۸۰ که به ترتیب ۲/۲ درصد و ۳۰۳۸ بود، نشانگر شکافی قابل توجه در حدود حداقل ۴۰ سال است.

در بحث فناوری نیز اشاره شده که با ادامه روند گذشته، قدرت رقابت در عرصه بین‌المللی از دست خواهد رفت و وابستگی کشور به ارز همچنان افزایش خواهد یافت و از آنجا که بخش تولید و خدمات فاقد

تحصیل ارز هستند، وابستگی به ارز حاصل از نفت افزایش می‌یابد.

اما آنچه مسلم است، اتخاذ سیاست‌های راهبردی است که هماهنگی بین برنامه توسعه آموزش عالی با نیازهای کشور، تنوع‌بخشی به نظام عرضه آموزش عالی، روزآمد کردن محتوای رشته‌های تحصیلی، ایجاد و تقویت قطب‌های علمی در دانشگاه‌های مستعد و پیشتاز، توسعه مراودات علمی بین‌المللی، روزآمد کردن دانشگاه‌ها، کارآمدسازی نظام ارزیابی درونی و برونی، تناسب بخشی به توان آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها با نیازهای بخش صنعت، کشاورزی و خدمات، اصلاحات سازمانی، تنوع‌بخشی و پایداری منابع مالی و تدوین نظام جامع و بلندمدت اسلامی شدن دانشگاه‌ها می‌باشد.

خوشبختانه برنامه سوم به بحث آموزش از ابتدایی تا عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نگاهی توسعه‌گرا دارد. با تأمین منابع کافی برای تحقق بخشیدن به این برنامه، می‌توان تا حدودی به کاهش فاصله میان علم، دانش و فناوری در کشور با دنیای خارج و تطبیق بیشتر علم، دانش، فناوری و پژوهش با نیازهای جامعه خوش بین بود.

آنچه مسلم است، پویایی بازار کار و استحکام کافی آن برای دستیابی نیروی کار به فرصت شغلی متناسب با مهارت و تخصص خود، ضرورتی غیرقابل انکار است. اما

آنچه می‌تواند این پویایی و استحکام را ایجاد و تقویت کند، رویکرد توسعه اقتصادی صادرات‌گرا می‌باشد. چنانچه جهت فعالیت‌های اقتصادی به سوی بازارهای جهانی نباشد، محدودیت تقاضا در بازار داخلی سبب خواهد شد که سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش آموزش و تحقیقات و فناوری تأثیر و بازده خود را در توسعه پایدار اقتصادی نشان ندهد. در چنین شرایطی نیروی کار متخصص و ماهر که با سرمایه‌گذاری کلان کشور پرورش یافته است، برای یافتن فرصت شغلی مناسب راه هجرت را در پیش می‌گیرد. بنابراین توسعه بازار کار با رویکرد صادرات‌گرا که پویایی تقاضا برای نیروی کار متخصص و ماهر را تضمین می‌کند، الزامی است.

بدیهی است کشورهای پیشرفته جهان با رشد سهم سرمایه‌گذاری در بخش‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی، تحقیق و توسعه و فناوری به نسبت تولید ناخالص ملی، همچنان تقاضای و ربا‌یسنده مغزهای متخصص و کارآمد خواهند بود و فاصله و شکاف میان کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با کشورهای توسعه یافته روزبه‌روز بیشتر خواهد شد. این فاصله به افزایش تقاضا برای جذب فناوری وارداتی و وابستگی بیشتر اقتصاد ملی به درآمد ارزی حاصل از نفت بیش از پیش گرایش خواهد داشت. ■